

اسنادی در حاشیه قرارداد ۱۹۱۹

۱۰ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۴:۳۰

شعری از وثوق الدوله که مستشار الدوله بدان اشاره کرده و در ابیات شش و هفت غزل اول خود بر مضامین آن انگشت نهاده است در دیوان وثوق ص ۸۶، به اهتمام علی وثوق - تهران، ۱۳۴۳ آمده و همان غزلی عالی و مشهوری است که وثوق الدوله در اروپا و در جواب شیخ الملک اورنگ سروده است و گوشه‌های زیبا در آن به حال و روزگار خود دارد.

در میان اوراق مستشار الدوله ورقه‌های دیده می‌شود که نام برده بر آن قطعه شعری در جواب شعر وثوق الدوله نوشته و بر صدر آن توضیحی چنین داده است:

« وثوق الدوله پس از بستن قرارداد منحوس که ایران را تحت حمایت انگلیس می‌گذاشت به انگلستان فرار کرد. در آنجا منظومه‌های در شکایت از روزگار گفته است. چند بیت آن منظومه به نظر آمد رسید. با چند بیت به آن جواب گفتم. لازم است عین آن منظومه دیده شود تا اصلاحات و تغییراتی که احتمالاً ضروری خواهد بود به عمل آید. به همین جهت اشعار جوابیه من به دو قافیه درآمد است. پس از دیدن منظومه نواقص هر یک را درست کرده غزل جداگانه تنظیم خواهد شد»

خوانندگان توجه دارند که وثوق الدوله از شعرای درجه اول ایران در قرن اخیر بود و در سیاست نیز از مبرزین. اما مستشار الدوله در شعر تفنن می‌کرد و در سیاست البته از رجال درجه اول عصر خود بود. مستشار الدوله و وثوق الدوله در مجلس اول در یک صف و از واضعین متمم قانون اساسی بودند. ولی در موقع قرارداد مستشار الدوله مخالف سیاسی درجه اول وثوق الدوله بود و چندان با قرارداد مخالفت کرد که منجر به تبعیدش به کاشان شد. غزلهای ناتمام مستشار الدوله به نقل از خط او چنین است:

ای که دنیا را چنین بدنام می‌سازی، به زشتی‌ایاد کن از آنچه در لوح عمل هایت نوشتی، عیب را در خود نگر، نی در بساط آفرینش، مهر تابان تیره کی گردد، اگر گویند خشتی، اصل بدبینی خود از لوث خاطر دان، که در آن مزرع ناپاک جز تخم بدی چیزی نکشتی، تا به صدر ملک رفتی بر فروشش دست بردی، پایه ایمان شکستی، حرمت ایران نهشتی، بر تبه کاری چه نازی، بهر دلالی چه بالی، لب ببند از خودستائی و بنال از بدسرشتی، تو ز دریای طمع بگذشتی و کشتی شکستی، یا به کشتی طمع بنشستی از دریا گذشتی؟ بر خطاکاری حشمت حاجت برهان چه باشد، ز انکه خود گویی که بینی آنچه زیبایی است زشتی، بعد از این دوزخلفشانیها که بیباکانه کردی، با چه بیشرمی و رو اکنون به سودای بهشتی، جمله بیداریت خواب و هرچه هشیاریت مستی، در میان خواب و مستی غوطه‌ور در خودپرستی، گر نبستی دل به کاری پس چرا بستی قراری، با هزاران ننگ و خواری ماندهای آنجا که هستی، پست باد آن همت لدون، نیست باد آن طبع وارون، کز غرور و کبر ببند آنچه بالایی است پستی، شعله‌های لیره سازد خیره چشم آزمندان، مرد کوتهلین به چاه افتد چو هر بیلیا و دستی

شعری از وثوق الدوله که مستشار الدوله بدان اشاره کرده و در ابیات شش و هفت غزل اول خود بر مضامین آن انگشت نهاده است

در دیوان وثوق ص ۸۶، به اهتمام علی وثوق - تهران، ۱۳۴۳ آمده و همان غزلی عالی و مشهوری است که وثوق الدوله در اروپا و در جواب شیخ الملک اورنگ سروده است و گوشه‌های زیبا در آن به حال و روزگار خود دارد. غزلی است ممتاز و حکیمانه که ابیات اساسی آن چنین است. اورنگ شعر را بمناسبت سفر خود با کشتی سروده بوده است.

من ز دریاها گذشتم گر تو در کشتی نشستی،
 من نبستم دل بچیزی گو تو بر هر چیز بستى،
 من زدم بر دشت و دریا پشت پا از فرط همت،
 تو به هر چیز یکه بگذشتی بچسبیدی دودستی،
 تو ز مستی باز نائی، نی به هشیاری گرائی،
 گر مرا آغاز هشیاری است یا پایان مستی،
 از دریچه چشم من گر بنگری پیوسته بینی،
 هر چه زیبائی است زشتی، هر چه بالائی است پستی،
 از فروغی خیره گشتی آه اگر چون من بدیدی،
 شعله‌های خیره‌ساز عقل و خرم‌سوز هستی،
 بایدت دستور تقوی داد بر مت خرقه‌پوشان،
 با چنین عنوان که داری در چنین کسوت که هستی...

اتفاقاً در میان اوراق مستشار الدوله عکس نام‌های از سفارت انگلیس به امضای کاکس Cox.P (سرپرستی کاکس) متعلق به همان دوره ریاست وزرائی وثوق الدوله دیده شد که در آن نسبت به عملیات پنج تن از اعیان و رجال اظهار نگرانی شده و به آنها اخطار شده بوده است که خود محترمانه از تهران به مسافرت بروند. ممکن است این نامه که عکس آن در دست است خطاب به مستشار الدوله بوده است و به او تذکر داده‌اند که به عتبات مسافرت کند و چون چنین مسافرتی سرنگرفته دولت او را با محتشم السلطنه و ممتاز الدوله به کاشان تبعید کرده. عکس این سند در اینجا به چاپ رسانیده می‌شود.

درباره قرارداد ۱۹۱۹

و باز در میان نوشته‌های به خط مستشار الدوله سواد مکتوب یا تلگرافی خطاب به والی آذربایجان (مخبر السلطنه) دیده‌ام که اشارتی به قرارداد و کودتا و جنبش میرزا کوچک خان در گیلان و غائله اسماعیل سمیتقو دارد و طبعاً مربوط است به دوره کابینه قوام السلطنه که مستشار الدوله در آن کابینه سمت وزیر مشاور داشت.

تلگراف رمز نمره... رسید. در این مسئله که اول باید تمامی قوا و توجهات بر رفع غائله اسماعیل آقا مصروف شود هیئت دولت کاملاً با حضرتعالی هم‌لعنیده است. تفنگ به هیچوجه از طهران ممکن نیست فرستاده شود. از جهان‌شاه خان چند صد قبضه تفنگ ورنندل و چهار صد قبضه پنج تیر روسی که گرفته شده بود به دستجات قزاق و ژاندارم که فعلاً در سر مأموریت هستند داده شده است. گویا در تبریز و بعض نقاط سرحدی آذربایجان خریداری تفنگ و پنج تیر از قرار قبضه‌های ده تومان ممکن است. در این صورت می‌شود که یک هزار قبضه خریداری فرمائید. تدارک طیاره عجالاً "مقدور نیستاگر هم طیاره - چی ایرانی پیدا شود طیاره با مقتضیات امروز آسان نیست.

آقای ممتاز الدوله برای آنقوره معین شده چند روزه حرکت می‌کنند. حاج ساعد السلطنه جزو هیئت مأمورین خواهد بود و با کمال دست‌تنگی که هست چون اشعار فرموده‌اید که مالیه آذربایجان فعلاً به تجهیز قوای لازمه کفایت نمی‌کند با هر قرض و قناعتی است سی هزار تومان در این چند روز حاضر و فرستاده می‌شود. سی هزار تومان دیگر هم در برج سنبله فرستاده خواهد شد. غرض از اداره کردن نظام به توسط اداره قزاق چنانچه در ضمن مخابره حضوری داده شد این نیست که سرباز و سوار بنیچه معادل حقوق قزاق داده شود. مقصود این است که فعلاً سرباز و سوار بنیچه با همان حقوق معموله ولی مرتب و تحت تنظیم آمده مورد

فایده شود و بالاخره متدرجا" قشون بنیچه جای افراد داوطلب را بگیرد. برای جلوگیری از کلرا اهمات لازم به عمل میآید.

اما در باب اینکه زحمات گیلان و اقدامات سویت روسیه از سوء ظنی است که نسبت به قرارداد داشته و با اینکه سید ضیاء آن را رسماً ملغی کرد در نطق افتتاحیه مجلس چه لزوم داشت مذکور شود تا حضرات آن را بهانه کرده به رشت قوه بیاورند خیلی موجب تعجب شد. هویت و ماهیت سید ضیاء کاملاً حکایت میکنند که فلسفه الغای قرارداد چیست و اگر با نطق افتتاحیه مجلس رسمیت و قطعیت پیدا نمیگردد اعتبار آن در نزد عقلا چقدر بود.

انگلیسیها افکار عام را کاملاً برضد قرارداد دیدند و حس کردند که در مجلس هم بعد از افتتاح مساعد آن نخواهد بود. ریاست دولت را به یکی از عاملین معروف خود داده لفظاً و ظاهراً "قرار داد را ملغی کردند تا در نظر ساده‌لوحان مملکت محبوبیت و وجهه ملیت به گماشته خود تدارک کرده معنای قرارداد را به دست او بطور اکمل و اتم بدون مانع و معارض مجرا دارند. چنانکه دولت فعلاً" با مشکلات آن مواجه است زیرا قرارداد وقتی لازم است که طرف معاهده دولت یا شخص دیگری باشد در صورتیکه دوئیت از میان برداشته شده طرفین قرارداد در حکم واحد باشند لفظ قرارداد جز تخدیش اذهان و تولید اعتراضات فایده دیگر ندارد.

این حقایق که امروز مورد تصدیق دوست و دشمن است البته به حضرات حق میآید که از الغای قرارداد سوء ظن حاصل کنند، اگر بالعکس در ضمن نطق افتتاحیه ثبت نمیشد و صورت قطعیت پیدا نمیگردد.

کسانی که این سفسطه را میکنند یا احکام منطق و عقل را هم مثل همه چیز مختل و منحل می خواهند یا دلتنگی دارند از اینکه چرا رسمیتی که به این موضوع داده شد بهانه ادامه بازار آشفته از دست آنها بیرون شد و میل داشتند که از این فریضه غفلت میشد که حقاً آن را سوء ظن و بهانه عملیان خود قرار میدادند و یا اینکه در تحت قالب بلشویکی طرفداران سیاست انگلیس هستند، و الا اشخاص عاقل و رسمی آنها در تهران و مراکز دیگر از ذکر الغای قرارداد در نطق افتتاح مجلس آخیلی خوشوقت هستند و بعد از افتتاح مجلس تا امروز هم قوه تازه وارد نکرده آنها هم که بودند رفته اند و فعلاً "لامیدواری تمام هست که با مساعی جاریه به غائله گیلان انشاء الله به خوشی رفع شود. البته اگر اهمیت انتظام آذربایجان در پیش نبود از حسن کفایت و لطف سیاست حضرتعالی در رفع عوامل گیلان و صفحات دیگر شمالی هم استفاده میشد.

کودتای ۱۲۹۹ در یادداشتهای مستشار الدوله

مقدمات کودتا را یک افسر جوان اطلاع داد. در موقع ریاست وزرائی سپهدار اعظم (سردار منصور رشتی) یکی از آشنایان مجاهد من که مدتها ملاقاتش نمیگردد بنام.... منزل من آمده گفت یکی از دوستان من که در قزاقخانه افسر است از قزوین (این موقع بمناسبت شورش داخلی روسیه و طغیان بلویای بلشویک قزاقخانه را انگلیسیها تحت نفوذ خود گرفته برای جلوگیری از هجوم جنگلیهای ارشت و ملاحظات دیگر در قزوین نگاه میداشتند) تهران آمده میگوید این روزها انگلیسیها در میان افسران قزاقخانه مشغول اقدام مهمی هستند و آنچه من فهمیدهام تاکنون به جلب نصف افسران موفق شدهاند. من برای رساندن این خبر مجبور بودم تمارض کرده بهعنوان معالجه برای چند روز به تهران بیایم و به غیراز تو به هیچکس دیگر اطمینان ندارم. تو خودت میدانی این موضوع را به چه کسی آیا کسانی اطلاع بدهی. چاره‌ای که به نظر من میآید این است که دولت قزاقخانه را به تهران احضار نماید. اگر همگی اطاعت امر دولت کرده به تهران آمدند فبها المراد. در اینجا تشبثات انگلیسیها در اصل یادداشتهای نقطه‌چین است.

عقیم میماند و اگر همگی اطاعت نکردند قسمتی که هنوز به نقشه انگلیسیها تسلیم نشدهاند یا امر دولت قسمت دیگر را مجبور به آمدن تهران می نمایند. مجاهد آشنای من گفت من جز شما به کسی اطمینان ندارم. شما مختارید به هر کس صلاح میدانید اطلاع دهید. من متحیر ماندم که این امانت را به کی بسپارم و این راز را با کی در میان نهم. آنکه رئیس الوزراء است بر حسب عادت ابداً سرنگهدار نیست. وزیر جنگ سالار لشکر پسر فرمانفرما این اندازه طرف اطمینان نیست. بعلاوه نمیتواند بدون اطلاع رئیس الوزراء و تصویب هیئت دولت چنین اقدامی نماید. از اشخاص خارج هیئت دولت هم کاری ساخته نمیشود. چند روز در فکر و حیرت به سر شد تا مجدداً همان مجاهد آشنا آمده گفت افسر دوست باز به بهانه چند روز مداوا آمده میگوید انگلیسها با جدیت تمام هر قسم بود قسمتی را که تسلیم نقشه نشده بودند به حیطه نفوذ خود وارد کردند و حالا جز انتظار وقایع وحشتناک تکلیف دیگری نمانده است.

در این بین سپهدار اعظم به قصد ترمیم کابینه افتاد و برای انجام مقصودش استعفا داد. مجدداً "امور تشکیل هیئت وزرای دیگر شد. از جمله آقای امین الملک را که وزیر مالیه وقت و از خواص او بود نزد من فرستاد که صلاح کشور اقتضا دارد که شما با سه نفر دیگر حاج محتشم السلطنه، ممتاز - الدوله و ممتاز الملک (محبوسین کاشان) با من همراهی کرده عضویت هیئت الوزراء را قبول کنید. چون قبول نکردم روز بعد مجدداً "آمد و به اصرار تمام خواهش اولی را تکرار کرد و گفت خود سپهدار خواهد آمد. باز من جواب منفی دادم. امین الملک رفت حاج محتشم السلطنه آمد و گفت مشکلات وقت طوری نیست که شما تصور میکنید. اینکه به شماها تکلیف میکنم به امید این است که با کمک شما بلکه بتوانم بلائی را که متوجه مملکت شده است برگردانیم در حقیقت فداکاری که همیشه برای سلامت وطن داشتهاید از شما میخواهم والا همه توش آتش خواهیم بود.

از بیانات حاج محتشم السلطنه که یا بطور کافی نمیدانست و یا میدانست به من گفت همین قدر فهمیدم نقشه انگلیسیها که آن جوان وطنخواه یک ماه است اطلاع میدهد صورت عمل بخود میگیرد و وجداناً "نتوانستم مقابل مشکل و خطر شانه خالی کنم و فقط به سلامت خود قناعت کرده از خطرس که به وطن میآید صرف نظر نمایم بالعکس تصور میکردم در مرکز امور باشم دسترسی به وسایل چاره بهتر از کنار ماندن است. لهذا قبول کردم که بدون وزارت به عنوان وزیر مشاور به هیئت دولت شرکت کنم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۷۳۱/اسنادی-۱۹۱۹-قرارداد-حاشیه-اسنادی>